

در زمان های دور، فرمانروایی زندگی می کرد که خیلی دوست داشت از حال همه ی مردم، با خبر باشد. برای همین، یک روز تصمیم گرفت به شهرهای مختلف برود و زندگی مردم را از نزدیک ببیند.

لباسی معمولی پوشید تا کسی او را نشناسد. آن وقت به راه افتاد و رفت و رفت تا به روستایی رسید. روستا، سرسبز و پر از درختان میوه بود.

گفت: «به به! عجب روستایی! چه میوه هایی! چه جای باصفایی!»

همان طور که درخت ها و سبزه ها را نگاه می کرد، از دور پیرمردی را دید که روی زمین، کار می کند. جلوتر رفت. دید پیرمرد در حال کاشتن گود است.

پیرمرد با دقت، گودالی در زمین می کند. دانه ی گود را در گودال می گذاشت و روی آن را با خاک نرم، می پوشاند.

اندر آن دشت، پیرمردی دید که گذشته است عمر او، ز نود
در آن دشت پیرمردی را دید که عمر او از نود سال گذشته بود
 دانه ی جوی در زمین می کاشت که به فصل بهار، سبز شود

آن پیرمرد دانه ی گود را در زمین می کاشت تا در فصل بهار سبز شود



فرمانروا مدتی آنجا ایستاد و کار کردن پیرمرد را نگاه کرد. سپس، با تعجب، از او پرسید: «از این همه کار، خسته نمی شوی؟ این کارها، کار جوانان است. تازه، چند سال طول می کشد تا درخت گردد، بزرگ شود و میوه بدهد و آن وقت هم که معلوم نیست، تو زنده باشی!»

جوز، ده سال عمر می خواهد که قوی گردد و به بار آید
ده سال طول می کشد تا درخت گردد و رشد کند و میوه بدهد
 پیرمرد به بیلتش تکیه داد و گفت: «بله. شما درست می گوید. چند سال طول می کشد که این درختان میوه بدهند و شاید هم آن زمان، من زنده نباشم.»
 فرمانروا گفت: «آیا تو از این موضوع، ناراحت نیستی؟»

پیرمرد گفت: «چرا ناراحت باشم؟»

دیگران تلاش کردند و درخت کاشتند و ما از دست رنج آنها استفاده کردیم. ما هم باید کار و تلاش کنیم تا بقیه از حاصل دست رنج ما استفاده کنند.
 فرمانروا با شنیدن این جمله، به پیرمرد آخرین گفت و به فکر فرو رفت.

درست و نادرست

۱. پیرمرد از اینکه ممکن بود تا زمانی میوه دادن درخت هایش، زنده نباشد، ناراحت بود. **نادرست**

۲. فرمانروا برای تفریح به شهرهای مختلف می رفت. **نادرست**

درک مطلب

۱. فرمانروا با شنیدن کدام جمله ی پیرمرد به فکر فرو رفت؟ چرا؟

۲. تاکنون چه کار نیکی انجام داده ای که به نفع دیگران بوده است؟ **به دوستانم در درس ها کمک کردم**

۱. «دیگران کاشتند و ما خوردیم / ما بکاریم و دیگران بخورند» چون متوجه شد وقتی که ما از حاصل زحمت و کار دیگران سودی می بریم، پس ما هم باید کاری کنیم تا دیگران از کارهای ما استفاده کنند و نباید فقط به فکر خودمان باشیم.

۳. معنی شعر «جوز ده سال عمر می خواهد / که قوی گردد و با بار آید، چیست؟ **ده سال طول می کشد که درخت گردد و قوی شود و بتواند میوه بدهد.**